

# بنام خداوند جان و خرد

آفرینش - آفریدگار

فردوسی توسی اندر آفرینش جهان و آفریدگار آورده است :

سر مایه گوهراں از نخست  
بدان نسا توانائی آمد پدید  
بر آورده بسی رنج و بسی روزگار  
میان باد و آب از بر تیره خاک  
ز گرمیش پس خشکی آمد پدید  
ز سردی همان باز تری فزود  
ز بهر سپنجی سرای آمدند  
شگفتی نماینده نو به نو  
گرفتند هر یک سزاوار جای  
بجنبید چون کار پیوسته شد  
زمین شد بکردار روشن چراغ  
سر رستنی سوی بالا کشید  
یکی مرکزی تیره بود و سیاه  
همی گشت گرد زمین آفتاب  
بزیر اندر آمد سرانشان ز بخت  
نبوید چو پویندگان هر سوئی  
همه رستنی زیر خویش آورید  
شد این بند ها را سراسر کلید  
بگفتار خوب و خرد کار بند  
مر اورا دد و دام فرمان برد

ز آغاز باید که دانی درست  
که یزدان ز نا چیز چیز آفرید  
وزو مایه گوهرا آمد چهار  
یکی آتشی بر شده تابناک  
نخستین که آتش ز جنبش دمید  
وزان پس ز آرام سردی نمود  
چو این چار گوهرا بجای آمدند  
پدید آمد این گنبد تیز رو  
ابر ده و دو هفت شد کدخدای  
فلکها یک اندر دگر بسته شد  
چو دریاو چون کوه و چون دشت و راغ  
بیالید کوه آبها بردمید  
زمین را بلندی نبند جایگاه  
همی بر شد آتش فرود آمد آب  
گیا رست با چند گونه درخت  
بیالند ندارد جز این نیروئی  
وزان پس چو جنبیده آمد پدید  
چوزین بگذری مردم آمد پدید  
سرش راست بر شد چو سرو بلند  
پذیرنده هوش و رای و خرد

یزدان ، آفریدگار  
چهار گوهرا ( نیرو )  
بیگ بنگ

آفرینش کهکشانشانها  
آفرینش کهکشانشان  
شیری

آفرینش زمین و آب  
آفرینش گیاه

آفرینش درخت  
آفرینش جانوران

آفرینش مردم

چکیده بالا اندیشه ایرانی ها در بیش از ۱۴۰۰ سال پیش است .

پرسش اینست از کجا این دانایی را داشته اند ؟!